

پاسخ نامه مدنی

سوال ۱ 

ماده ۱۰ قانون مدنی، اصل آزادی قراردادی را به رسمیت می شناسد:

«قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده اند، در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد، نافذ است.»

بنابراین: 

نیازی نیست قانون صراحتاً مجاز بودن قرارداد را ذکر کند.

کافی است که مخالف صریح قانون نباشد تا قرارداد معتبر باشد.

سوال ۲

مطابق ماده ۱۹ قانون مدنی:

«اشیائی که نقل آن از محلی به محل دیگر ممکن باشد بدون اینکه به خود یا محل آن خرابی وارد آید، منقول است.»

مورد ۲ دقیقاً مصداق مال منقول است.

مورد ۱ تا وقتی درخت کاشته شده است، غیرمنقول محسوب می شود.

مورد ۳ به علت ضرورت تخریب، مشمول تعریف نمی شود.

مورد ۴ چون بدون آسیب جدا نمی شود، غیرمنقول است.

سوال ۳ 

ماده ۳۰ می گوید:

«هر مالکی نسبت به مایملک خود حق همه گونه تصرف و انتفاع دارد، مگر در مواردی که قانون استثنا کرده باشد.»

بنابراین:

اصل بر آزادی تصرفات مالکانه است.

ولی استثناهایی مثل: قواعد آمره، نظم عمومی، تجاوز به حقوق دیگران، و... وجود دارد.

سوال ۴ 

مطابق ماده ۳۷ قانون مدنی:

«اگر متصرف فعلی اقرار کند که ملک سابقاً مال

مدعی بوده، دیگر نمی‌تواند صرفاً با تصرف، ادعای مالکیت را رد کند، مگر اینکه انتقال صحیح ملک به خود را اثبات کند.

◆ بنابراین:

اقرار رضا به مالکیت سابق کامران، حجت است.

بار اثبات انتقال صحیح (مثلاً بیع‌نامه، هبه‌نامه، صلح) بر دوش رضا قرار می‌گیرد.

✓ سوال ۵

مطابق ماده ۴۱ قانون مدنی:

«عمری، حق انتفاعی است که برای مدت عمر مالک، منتفع یا شخص ثالثی برقرار شده باشد.»

در این سؤال:

نسرین منتفع است.

مدت انتفاع، محدود به عمر برادر نسرین (شخص ثالث) است.

بنابراین، این مصداق حق عمری است.

سوال ۶ 

مطابق ماده ۷۴ قانون مدنی:

« در وقف بر مصالح عامه، اگر واقف خودش هم داخل در جمع موقوف علیه باشد (مثل وقف برای مدرسه، درمانگاه، فقرا و...)، می تواند مانند دیگران منتفع شود.

♦ مثال‌ها:

وقف بر فقرای شهر: اگر واقف فقیر باشد، می‌تواند بهره‌مند شود.

وقف برای مسجد، بیمارستان، مدرسه: اگر خود واقف هم استفاده کند، اشکالی ندارد.

✓ سوال ۷

مطابق ماده ۱۹۳ قانون مدنی:

< "انشاء معامله ممکن است به وسیله عملی که مبین قصد و رضا باشد مثل قبض و اقباض حاصل گردد، مگر در مواردی که قانون استثناء کرده باشد."

◆ نکته کلیدی:

انشاء عقد نیازی به لفظ ندارد.

حتی افراد ناشنوا یا گنگ، می‌توانند با اشاره یا نوشتن، قصد خود را اعلام کنند.

در این مثال، قصد و رضا محرز بوده و عمل انجام شده دلالت بر قصد دارد، پس معامله صحیح است.

✓ سوال ۸

بر اساس ماده ۲۰۶ قانون مدنی:

«اگر کسی در نتیجه اضطرار اقدام به معامله کند مکره محسوب نشده و معامله اضطراری معتبر خواهد بود.»

یعنی: 

اضطرار (مثل خطر جانی، گرسنگی شدید، تشنگی در بیابان) حتی اگر شدید باشد، در قانون ایران اکراه تلقی نمی‌شود.

بنابراین، معامله‌ای که در حالت اضطرار انجام شود، صحیح و لازم‌الاجرا است.

علیرضا مکره نیست، بلکه مضطر است؛ پس معامله‌اش صحیح است و ادعای بطلان پذیرفته نیست.

سوال ۹ 

بر اساس ماده ۲۱۵ قانون مدنی:

«مورد معامله باید مالیت داشته و متضمن منفعت عقلایی مشروع باشد.»

◆ نکات کلیدی:

«دود حاصل از اجاق» عموماً فاقد مالیت و منفعت عقلایی مشروع است.

اما چون خود خانه واجد مالیت است، معامله‌ی اصلی صحیح است.

مطابق قواعد عمومی قراردادها، شرط باطل، موجب بطلان عقد نمی‌شود، مگر آن‌که جهت اصلی معامله باشد.

✓ سوال ۱۰

ماده 292 ق.م تبديل تعهد ماهيتاً عقدی لازم است و اصولاً در کلیه تعهدات ممکن است مگر این که تعهد سابق باطل باشد.) کاستن از میزان ثمن و تخفیف دادن یا افزودن بر تعهد سابق ، تبديل تعهد نیست .

سوال ۱۱

مطابق ماده ۱۱ ق.م و ماده 20 و 4 ماده 11 ، ماده 20 ق.م کلیه دیون از حیث صالحیت دادگاه در حکم منقول هستند ولی اجرت المثل حق دینی و استثنائاً غیر منقول تبعی است و باید در محل وقوع ملک اقامه دعوی شود . در این مساله چون مالک با غاصب برای پرداخت اجرت المثل توافق نمودند ماهیت آن را از اجرت المثل به اجرت یا دین قراردادی تغییر داده است و طبق عموم ماده 20 ق.م از جهت صالحیت دادگاه ، مال در حکم منقول محسوب می گردد و بر این توافق دو فایده مترتب است : 1 . دادگاه محل اقامت خوانده صالح به رسیدگی است . (ماده 11 ق.آ.د.م) 2 . دادگاه طبق رقم مورد توافق حکم می دهد

و دیگر ارجاع امر به کارشناس جهت تقویم اجرت المثل ملک جایگاهی ندارد . توافق نمودن مالک با غاصب

نکته کلیدی تست است .

سوال ۱۲

، شرط عدم مسئولیت مطلق متعهد نافذ است مگر در
اضرار عمدی و صدمه مربوط به شرافت شخص و..

سوال ۱۳

مطابق ماده ۲۶۹ ق.م شرط صحت وفای به عهد را
داشتن اهلیت استیفاء و

عقل و اراده متعهد می داند ولی این شرط در خصوص
موردی است که تملیک صورت گیرد نه تسلیم . اگر
موضوع تعهد فقط استرداد مبلغی پول باشد که متعهد
محجور آنرا قرض گرفته است؛ اهلیت نمی خواهد و
نمی

توان چنین وفای به عهدی را ایفاء ناروا و باطل دانست
. به فرض هم که ناروا باشد با دین سابق آن کودک
محجور به داین تهاثر می شود .

سوال ۱۴

طبق ماده ۳۱۲ قانون مدنی:

« اگر مال مغضوب مثلی باشد ولی مثل آن پیدا نشود، غاصب باید قیمت یوم‌الادا (روز ادای تعهد) را بپردازد.

- ♦ «یوم‌الادا» = زمانی که غاصب باید تعهد خود را ایفا کند، نه روز تلف شدن مال.
- ♦ بنابراین آرمان موظف است قیمت روز مطالبه یا روز پرداخت را بدهد

سوال ۱۵ 

بر اساس ماده ۳۲۵ ق.م:

اگر مشتری جاهل به غصب باشد و مالک به او رجوع کند، حق رجوع به بایع (فروشنده) را دارد؛ چه مبیع تلف شده باشد یا نه.

اما اگر مالک مستقیماً به بایع رجوع کند، بایع حق رجوع به مشتری را ندارد.

◆ در اینجا چون فرشاد جاهل بوده و مالک به خودش رجوع کرده، او می‌تواند هم ثمن و هم خسارات را از آرش مطالبه کند.

✓ سوال ۱۶

مطابق ماده ۳۳۷ قانون مدنی، اگر کسی با اذن صریح یا ضمنی از مال دیگری منفعت ببرد، اصل بر تعلق اجرت‌المثل است، مگر اینکه ثابت شود اذن‌دهنده قصد انتفاع مجانی داشته.

در سؤال فوق، چون اذن ضمنی بوده، اگر سارا نتواند مجانی بودن استفاده را اثبات کند، باید اجرت‌المثل پرداخت کند.

سوال ۱۷

بر اساس ماده ۲۵۶ قانون مدنی، اگر کسی در یک عقد، مال خود و دیگری را منتقل کند، معامله نسبت به مال خودش نافذ است و نسبت به مال دیگری، فضولی و منوط به اجازه مالک اصلی خواهد بود.

در این سؤال، چون کاظم فقط نصف خانه را مالک بوده، فقط همان مقدار به طور قطعی منتقل شده و بقیه منوط به اجازه برادر است

سوال ۱۸

مطابق ماده ۱۴ قانون بیمه اجباری، اگر علت اصلی حادثه یکی از تخلفات حادثه‌ساز (مثل عبور از چراغ قرمز، سبقت غیرمجاز، سرعت غیرمجاز، و ...) باشد، بیمه‌گر موظف است بدون شرط و تضمین خسارت را پرداخت کند، اما بعداً می‌تواند به راننده متخلف مراجعه کند و مبلغ را بازیافت کند.

سوال ۱۹

بر اساس ماده ۱۵، در موارد استثنایی مانند رانندگی

بدون گواهینامه، در حالت مستی یا با مواد روانگردان، یا در صورت عمد در حادثه یا آگاهی از سرقت وسیله نقلیه، بیمه‌گر موظف است ابتدا خسارت را بدون هیچ شرط و تضمینی بپردازد، سپس می‌تواند به قائم‌مقامی زیان‌دیده برای بازیافت خسارت از راننده مقصر به مراجع قانونی مراجعه کند.

سوال ۲۰ 

مطابق ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی، اگر خسارت ناشی از نقص وسایل و تجهیزات ادارات یا مؤسسات دولتی یا وابسته به آنها باشد و مستند به عمل یا تقصیر شخص کارمند نباشد، مسئولیت جبران خسارت با خود اداره یا مؤسسه مربوطه خواهد بود.